

## کنکاشی در نسبت میان برخورداری از حق بر آموزش، کسب مهارت‌های زندگی و کاهش خشونت علیه کودکان

دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۱۰/۲۱

پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۱/۲۰

شهرام زر نشان<sup>۱</sup>

موسی کرمی\*<sup>۲</sup>

ریحانه زندی<sup>۳</sup>

DOI: 10.30497/FLJ.2023.244211.1884



### چکیده

کودکان به واسطه آسیب‌پذیری و به‌ویژه ضعف جسمانی و دیگر کاستی‌های خود، یکی از قشرهایی به شمار می‌روند که در معرض اعمال انواع خشونت قرار می‌گیرند. افزون بر این، حق بر آموزش به‌سان یکی از حقوق بنیادین بشر و از جمله کودکان، نقش چشمگیری در توانمندسازی، رشد و پیشرفت شخصیت انسانی کودک ایفا می‌کند. در این زمینه، آموزش مهارت‌های زندگی از بایسته‌های تحقق موارد یادشده است. نگارندگان در این نوشتار، می‌کوشند تا با بهره‌گیری از شیوه‌توصیفی-تحلیلی و تکیه بر منابع کتابخانه‌ای، به این پرسش پاسخ دهند که چه نسبتی میان حق بر آموزش، مهارت‌های زندگی و کاهش خشونت علیه کودکان وجود دارد. به نظر می‌رسد میان بهره‌مندی از حق بر آموزش و تجهیز به مهارت‌های زندگی از یک سو و کاهش خشونت علیه کودکان از سوی دیگر، پیوندی مستقیم برقرار است. در واقع، از رهگذر اعمال و برخورداری کودکان از حق بر آموزش، امکان تجهیز آنها به مهارت‌های زندگی بالا می‌رود و به‌کارگیری این مهارت‌ها با رفع برخی علل روان‌شناختی و جامعه‌شناختی ارتکاب خشونت علیه کودکان، به نوبه خود، موجب کاهش احتمال مبادرت به اعمال چنین خشونت‌هایی می‌شود. به سخنی گویاتر، آموزش مهارت‌های زندگی می‌تواند با توانمندسازی کودکان، آنان را برای مقابله با خشونت علیه خود و نقض حقوقشان آماده کند. در این مسیر، افزون بر دولت که متعهدعلیه اصلی در قبال حقوق کودک و از جمله منع خشونت علیه اوست، می‌بایست کلیت جامعه و اعضای آن برای حمایت از حقوق کودکان در برابر خشونت و نقض حقوق ایشان به پا خیزند. گفتنی است که کودکان و به‌ویژه دختران متعلق به گروه‌های غیرحاکم، همچون اقلیت‌ها و مردمان بومی، هم از نظر بهره‌مندی برابر از حق بر آموزش و در نتیجه، فراگیری مهارت‌های زندگی و هم به‌لحاظ قرار گرفتن در معرض خشونت بیشتر به‌خاطر آسیب‌پذیری مضاعف خود، نیازمند و شایسته توجه و حمایت ویژه‌اند.

### کلیدواژه‌ها

کودک، حق بر آموزش، مهارت‌های زندگی، خشونت علیه کودکان، حقوق بشر.

۱. دانشیار گروه حقوق عمومی و بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران. zarneshan@atu.ac.ir

۲. نویسنده مسئول (دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی دانشگاه قم، قم، ایران.

mosakarami136767@gmail.com

r.z.judge94@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی دانشگاه قم، قم، ایران.

## مقدمه

«شیوه رفتار با کودکان در هر جامعه‌ای، دقیق‌ترین بازتاب روح آن جامعه است».

نلسون ماندلا

یکی از عواملی که در برابر رشد و پیشرفت کودک ایستاده، پدیده آزاردهنده خشونت علیه کودکان<sup>۱</sup> است که شوربختانه «قدمتی تقریباً معادل تاریخ بشر دارد» (مدنی قهفرخی، ۱۳۹۰، ص ۹). به دلیل آسیب‌پذیری کودکان از نظر جسمانی و روانی، احتمال اعمال خشونت نسبت به آنها نیز بیشتر از بزرگسالان است و به این اعتبار، نیازمند حمایت ویژه هستند. اهمیت این امر به اندازه‌ای است که «کمیته حقوق کودک»<sup>۲</sup> منطق صدور تفسیر عام شماره ۱۳ خود درباره حق کودکان بر رهایی از کلیه اشکال خشونت را میزان هشداردهنده خشونت علیه کودکان بیان کرده است (CRC, 2011, para. 2). هر سال، بین ۵۰۰ میلیون تا ۱.۵ میلیارد کودک در جای‌جای جهان، شکلی از خشونت را تجربه می‌کنند (UNICEF & SRSVAC, 2013, P.1). از روزهای آغازین شیوع ویروس کرونا نیز، مشخص بود که کودکان به انحاء مختلف، قربانی پیامدهای به‌شدت منفی آن خواهند شد (UN General Assembly, 2021, para. 6)؛ به‌ویژه خانه‌نشینی اجباری در این دوره، سطوح خشونت خانگی علیه زنان و کودکان را به طرز خیره‌کننده افزایش داد (دانش ناری و خیرری نوغانی، ۱۴۰۱، ص ۲۵۵). طبق گزارش سالانه نماینده دبیرکل در زمینه خشونت علیه کودکان به شورای حقوق بشر در ۲۱ دسامبر ۲۰۲۱م، شواهد متقنی دال بر افزایش خشونت علیه کودکان و به‌ویژه خشونت مبتنی بر جنسیت در همه‌گیری کرونا وجود دارد. طبق این گزارش، تأثیرات اقتصادی-اجتماعی شدید این همه‌گیری، خطر کار کودکان، بهره‌برداری جنسی، قاچاق کودکان و اعضای بدن ایشان، کودک‌همسری و استخدام در گروه‌های مسلح مجرمانه را افزایش داده است (Human Rights Council, 2021, para. 2). به‌طور خاص، گزارش ژانویه

- 
1. Violence against children
  2. Committee on the Rights of the Child(CRC)

۲۰۲۲م نماینده ویژه دبیرکل ملل متحد در زمینه کودکان و درگیری‌های مسلحانه،<sup>۱</sup> از تشدید نقض حقوق بشر کودکان و اعمال انواع خشونت علیه ایشان و به‌ویژه بهره‌برداری جنسی در مناطق متأثر از درگیری‌های مسلحانه در دوران همه‌گیری کرونا از دسامبر ۲۰۲۰م تا دسامبر ۲۰۲۱م حکایت دارد (Human Rights Council, 2022, para. 21). خشونت در دوران کودکی، رشد افراد در بزرگسالی را محدود می‌نماید و این ظرفیت شکوفاننده، پیشرفت اجتماعی و اقتصادی جامعه را واپس می‌راند (Human Rights Council, 2021, para. 4). ناگفته پیداست که حفظ و تضمین رشد و سلامت جسمی و روانی کودکان از رهگذر مبارزه با خشونت علیه آنها، هم از نظر رشد فردی و هم به‌لحاظ پیشرفت اجتماعی، از اهمیت و ضرورت بسزایی برخوردار است.

یکی از مهم‌ترین مباحث حقوق کودک در دنیای امروز، مسئله آموزش است. در بیان برخی نویسندگان، «حق بر آموزش کودک از حقوق فردی وی و از جمله حقوق اجتماعی برای داشتن جامعه سالم است» (عباسی کلیمانی و اکبری، ۱۴۰۰، ص ۲۲۹). این حق در حوزه حقوق کودک، از دو چشم‌انداز درخور بررسی است: ۱. حق کودک بر آموزش، از تکالیف والدین است و آنان باید تمام تلاش خود را در این راه مبذول دارند؛ ۲. وظیفه‌ای است که دولت به‌عنوان متولی جامعه برای بسترسازی و بسیج امکانات دارد تا جامعه را به نقطه‌ای برساند که هیچ کودکی برای فراگیری علم، کمبود یا مشکلی نداشته باشد. از یک سو، در دوران کودکی بر اثر حضور والدین و اطرافیان، رفتار کودک شکل می‌گیرد و وی بیشتر عادات زندگی خود را در این دوره کسب می‌کند و تقریباً در این مرحله است که کیفیت سازگاری با محیط را فرامی‌گیرد (نوراحمدی و رضوانی مفرد، ۱۴۰۱، ص ۱۶۲) و از سوی دیگر، بیرون ماندن از دایره مدرسه و آموزش و پرورش، موجبات نقض سایر حقوق کودک را فراهم خواهد کرد.

یکی از مؤلفه‌های اجرای این حق، کسب «مهارت‌های زندگی»<sup>۱</sup> است. به این اعتبار، میان حق بر آموزش به‌سان یک حق بنیادین بشری، فراگیری مهارت‌های زندگی به‌عنوان ابزار لازم جهت پیشبرد یک زندگی سالم از سوی کودکان و سرانجام کاهش خشونت علیه کودکان به‌مثابه بایسته‌ای حتمی برای تضمین بهزیستی آنان و تأمین امنیت روانی و اجتماعی جامعه، نسبت و پیوندی مشاهده می‌شود که واکاوی آن از چشم‌اندازی حقوق بشری، جذاب، مناسب و بلکه ضروری می‌نماید. نظر به اهمیت پرداخت تخصصی به نسبت میان حق بر آموزش، مهارت‌های زندگی و کاهش خشونت علیه کودکان از چشم‌انداز حقوق بشر و به‌ویژه با توجه به افزایش خیره‌کننده ارتکاب انواع خشونت علیه کودکان و به‌خصوص دختران در دوران همه‌گیری کرونا و در بافت بحران‌های انسانی و طبیعی در جای‌جای جهان، در این مقاله، با بررسی حق کودکان بر آموزش و مهارت‌های زندگی، از نسبت و تأثیر آن در پیشگیری و کاهش خشونت در این دوران ویژه زندگی، سخن خواهیم راند.

### مفهوم‌شناسی مصطلحات

#### - خشونت علیه کودک

خشونت در لغت به معنای غضب، درشتی و تندی کردن است (انوری، ۱۳۸۱، ص ۲۷۶۹). از نظر یونیسف، خشونت علیه کودکان به همه اشکال خشونت بین‌فردی علیه دختران، پسران و نوجوانان که در خانه، در مدرسه و در مسیر مدرسه، در اجتماع، در محل کار و از طریق فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی (مانند تلفن همراه و اینترنت) رخ می‌دهد، گفته می‌شود (UNICEF, 2017, P.6). خشونت علیه کودکان در اعلامیه حقوق کودک ۱۹۵۹م و کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹م، تعریف نشده است. با این حال، کمیته حقوق کودک در تفسیر عام شماره ۱۳ خود راجع به حق کودک بر رهایی از کلیه اشکال خشونت، با توجه به موارد فهرست‌شده در ماده (۱) ۱۹ کنوانسیون، خشونت را این‌چنین بازمی‌شناسد: «کلیه اشکال خشونت جسمانی و روانی، صدمه یا آزار، بی‌توجهی یا رفتار توأم با سهل‌انگاری، سوءرفتار

یا بهره‌کشی، از جمله سوءاستفاده جنسی». کمیته ابراز می‌دارد که به‌کارگیری اصطلاح خشونت در تفسیر عام شماره ۱۳، به این خاطر است که در هماهنگی با مطالعه سال ۲۰۰۶م ملل متحد راجع به خشونت علیه کودکان،<sup>۱</sup> بیانگر کلیه اشکال آسیب به کودکان در بند ۱ ماده ۱۹ باشد؛ اگرچه دیگر واژگان و اصطلاحات مورد استفاده برای توصیف انواع آسیب نیز (مانند صدمه، سوءاستفاده، بی‌توجهی یا رفتار توأم با سهل‌انگاری، سوءرفتار و بهره‌کشی)، وزن و اهمیتی برابر دارند. کمیته همچنین بیان می‌کند که انتخاب واژه «خشونت» در تفسیر عام این نهاد، به هیچ روی نباید تأثیر و نیاز به توجه به اشکال غیرجسمانی و غیرعمدی آسیب مانند بی‌توجهی و سوءرفتار روانی را تحت تأثیر قرار دهد و از اهمیت آن بکاهد (CRC, 2011, para. 4).

### - مهارت‌های زندگی

مهارت‌های زندگی به «توانایی رفتار سازگارانه و مثبتی که فرد را قادر می‌سازد تا به‌گونه‌ای مؤثر با مقتضیات و چالش‌های زندگی روزمره روبرو شود»، اطلاق می‌گردد و از این رهگذر، در رابطه با سایر انسان‌ها، جامعه، فرهنگ و محیط پیرامونی، سلامت جسمانی و روانی خود را تأمین نماید (Pillai, 2015, P.788). سازمان بهداشت جهانی،<sup>۲</sup> حوزه‌های اصلی مهارت‌های زندگی را شناسایی و آنها را به ده شاخه تقسیم کرده است که عبارت‌اند از: ۱. خودآگاهی؛ ۲. مقابله با هیجانات؛ ۳. مقابله با استرس؛ ۴. تصمیم‌گیری؛ ۵. حل مسئله؛ ۶. تفکر خلاق؛ ۷. تفکر انتقادی؛ ۸. همدلی ۹. ارتباط بین‌فردی؛ ۱۰. ارتباط مؤثر (WHO, 2020, P.17).

### - حق آموزش کودک

حق بر آموزش شامل فراگیری معلومات از رهگذر آموزش و پرورش ابتدایی و عمومی و

۱. برای آگاهی بیشتر در زمینه این مطالعه، رجوع کنید به:

<https://www.ohchr.org/en/treaty-bodies/crc/united-nations-study-violence-against-children>  
2. World Health Organization(WHO)

تخصص‌های عملی از طریق آموزش کاربردی مانند آموزش فنی و حرفه‌ای است (عباسی کلیمانی، ۱۳۹۵، ص ۶۷). اگر ماهیت حقوقی آموزش، حق در نظر گرفته شود، حق آموزش کودک را می‌توان بهره‌مندی از فرآیند آموزش به معنای اعم شامل هر دو بعد شناختی و پرورشی دانست که از آن، به تربیت نیز تعبیر می‌شود و از سوی نظام حقوقی هر کشور در مقام اجرای عدالت، به کودک تعلق و اختصاص پیدا می‌کند و قانون نیز از آن حمایت به عمل می‌آورد و دیگران را از تجاوز به آن منع می‌نماید (کاشانی، ۱۳۹۶، ص ۱۹). مهم‌ترین مصادیق حق بر آموزش در بافت حقوق کودک آن است که باید از سوی مراجع مرتبط محقق و تأمین شود، شامل حقوقی از جمله حق دسترسی به امکانات آموزشی، حق برخورداری از آموزش باکیفیت و استاندارد، احترام به شأن و منزلت انسانی کودک، آموزش بدون تبعیض در همه مراحل کودکی، در دسترس بودن امکانات آموزشی و برابری فرصت‌ها در آموزش است (حججی نجف‌آبادی و پاپا، ۱۳۹۸، ص ۲۱۶).

#### ۱. نگاهی به حق آموزش و پیوند آن با مهارت‌های زندگی

حقوق به همراه انسان به دنیا آمده و زاینده آگاهی و زندگی اجتماعی است. حقوق بشر، که همان ترجمان حقوق فطری است، یکی از هدف‌های آن بوده است که گرایش‌های متعارض انسان را با هم، هماهنگ کند و آنها را در مجرای منضبطی بیندازد؛ به آن امید که زندگی در مسیر مطلوبی جریان یابد و جامعه تا حد ممکن، به عدالت نسبی نزدیک گردد (اسلامی ندوشن، ۱۳۷۲، ص ۶۶-۶۷). به‌طور خاص، پس از جنگ خونین دوم جهانی و برپایی سازمان ملل متحد، حقوق بشر قویاً وارد حقوق بین‌الملل شد. ترویج و تشویق حقوق بشر و آزادی‌های اساسی به یکی از اهداف ملل متحد مبدل شد و از زیر سایه حاکمیت دولت‌ها و امور داخلی کشورها بیرون آمد (Joseph & Kyriakakas, 2010, P.1). برپایی سازمان ملل متحد آغاز جنبش بین‌المللی حقوق بشر را رقم زد؛ جنبشی که اسناد بین‌المللی حقوق بشر از جلوه‌ها و برآیندهای آن هستند (قربان‌نیا، ۱۳۹۲، ص ۴۲). به تعبیر اندیشمندان عرصه حقوق بشر، مفهوم انسان حقوق بشری مفهومی استعلائی است که نه دلالتی فیزیکی

بر هویت انسان دارد و نه به معنای هویت الهی اوست. منظور از انسان استعلایی، انسان غیرمعطوف به مجموعه‌ای از عَرَضیات است؛ انسانی که معطوف به قبیله، نژاد، دین، تاریخ، هویت اجتماعی، جنسیت، رنگ و ... نیست (قاری سیدفاطمی، ۱۳۹۰، ص ۳۱). برای حق داشتن، به‌جز انسان بیولوژیک بودن، داشتن و بودن هیچ چیز دیگری ضرورتی ندارد.

بحث در اینجا معطوف به یک حق بشری به نام حق بر آموزش است. میان آموزش و فرهنگ هر جامعه و پویایی و پیوستگی آن، پیوندی تنگاتنگ برقرار است. به تعبیری، امر آموزش برای انتقال دانش‌ها و تجربه‌ها و مهارت‌هاست از نسلی به نسلی؛ چون هر نسلی موظف است که دانسته‌ها و تجربیات خود را به نسل دیگر بدهد تا در این روند، فرهنگ و تمدن جامعه ادامه یابد و فرد به‌عنوان عضوی از خانواده انسانی، بیشترین بهره را از زندگی خود دریافت نماید (اسلامی ندوشن، ۱۳۹۴، ص ۲۰۰). پیوند آموزش با فرهنگ، پیوند دیگری را به دست می‌دهد و آن گرهی است که آموزش و پرورش را در کنار یکدیگر می‌نشانند. ما در آموزش و پرورش، با سه امر روبرو هستیم. وضع خاص انسان ایجاب می‌کند که ما از رهگذر آموزش و پرورش برای جبران کوتاه بودن زندگی و به‌منظور ایجاد آنچه در نظر خودمان سعادت شناخته می‌شود، جانشین‌هایی ایجاد کنیم که از طریق آموزش و پرورش به دست خواهند آمد: یعنی بسط شخصیت، بینش و دانش و تنها از این طریق است که انسان، شایسته نام انسان می‌شود. دومین برخورد ما با آموزش، به ارتباط با اجتماع بازمی‌گردد. طبیعی است که امر آموزش، یعنی شناسایی زندگی، شناسایی طبیعت و تمام آنچه مجموعاً آموزش را شامل می‌شود، با سرنوشت جامعه و اینکه در چه طریقی پیش برود، چه تمدن و فرهنگی داشته باشد و چه روابطی برقرار نماید، ارتباط پیدا می‌کند و بدیهی است که همه این موارد پیوندی ناگسستنی با آموزش دارند. سومین ارتباط، به پیوند آموزش با طبیعت مربوط می‌شود. طبیعت در این چشم‌انداز، یعنی همه آنچه ما را در بر می‌گیرد و ما برای زندگی خود از آن استفاده می‌کنیم یا در آن تحول ایجاد می‌نماییم (همان، ص ۲۰۱ و ۲۰۲). به این اعتبار، آموزش از رهگذر پیوند سه‌گانه خود با انسان، نقشی کم‌مانند در کیفیت زندگی او

دارد. به همین خاطر است که به تعبیر یونسکو، آموزش فرآیندی است که بر چهار نوع یادگیری استوار است: زندگی کردن با یکدیگر، دانستن، انجام دادن امور و بودن (UNESCO, 2014, P.93). بر پایه تحلیلی که آمد، گزاره نیست اگر آموزش و پرورش را در کنار بایسته‌های دیگری که در این زمینه باید محقق شوند، لازمه شخصیت انسانی و انسان بودن آدمی‌زادگان بدانیم و از استحقاق و نیاز او به آموزش سخن برانیم که در فضای حقوق بشری، موجد حق می‌گردد و حق بر آموزش را برای انسان به ارمغان می‌آورد.

آموزش در گفتمان حقوق بشر نیز از جایگاهی ویژه و چندوجهی برخوردار است؛ چنان‌که آموزش برای ارتقای حقوق بشر الزامی است و نه تنها خود فی‌الذات، حقی بشری به شمار می‌رود، بلکه ابزاری ضروری برای تحقق دیگر حق‌های بشری و پیش‌شرط بهره‌مندی بسیاری از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز محسوب می‌شود. همه افراد از این حق برخوردارند و دولت مکلف به احترام، حمایت و ایفای آن است. البته چنان‌که صاحب‌نظران حوزه حقوق بشر یادآور شده‌اند، جوامع به‌واسطه ضرورت‌های اجتماعی امروز، دیگر نمی‌توانند به آموزش تنها به‌عنوان حق‌آزادی<sup>۱</sup> فرد بنگرند. از این رو، آموزش و پرورش از یک سو، حق افراد است و از سوی دیگر، حق جامعه. از سویی، حق‌ادعای افراد است و جامعه مکلف به تأمین آن و از سوی دیگر، حق‌ادعای جامعه است و فرد مسئول و موظف در مقابل آن (قاری سیدفاطمی، ۱۳۸۹، ص ۳۰۵). همچنین این حق در چارچوب حقوق بشری معاصر، هم حقی منفی است و هم حقی مثبت. از یک سو، آزادی انتخاب است و از سوی دیگر حقی حمایتی.

با توجه به اینکه کودکی بهترین زمان برای یادگیری است و فرد برای استفاده از اندوخته‌های خود در بزرگسالی نیازمند توجه ویژه در کودکی است، آموزش کودکان به نسبت بزرگسالان اهمیتی دوچندان دارد. برای کودکان، آموزش به یک دارایی فوق‌العاده ارزشمند و قابل حمل تبدیل می‌شود که فرصت‌های بهتری را برای افراد و خانواده‌های آنها



در هنگام بزرگسالی و مشارکت در ساختار اجتماعی میهن یا پس از اسکان در جامعه میزبان فراهم می‌کند. در اسناد خاص حقوق بشری، مانند کنوانسیون حقوق کودک، اشخاص زیر ۱۸ سال از یک سو، در قبال جامعه و دولت دارای حقوقی شده‌اند که قابل مطالبه است و از سوی دیگر، جامعه و دولت مکلف به اتخاذ تدابیر حمایتی و اعمال مساعدت‌های خاص نسبت به آنها گردیده‌اند. نگرش اسناد حقوق بشری به کودکان، نگرشی است که در آن، کودک نه به‌عنوان موجودی متعلق به والدین، بلکه موجودی با هویت اجتماعی مستقل مورد توجه قرار گرفته است. هواداران حقوق بشر بر این باورند که هر کودکی دارای حق برخورداری از آموزش است و این مدعای خود را بر دو مبنا استوار می‌کنند: نخست اینکه به اعتقاد ایشان، اگر کودک آموزش ابتدایی اساسی را دریافت کند، باسواد خواهد شد و از مهارت‌های بنیادین اجتماعی و ضروری زندگی برای تأمین شغل، فعالیت در جامعه‌ای مسالمت‌آمیز و یک زندگی رضایت‌بخش برخوردار خواهد گردید. دوم آنکه آنان معتقدند به‌رغم شناسایی آموزش به‌عنوان یک حق بشری، از جمله در اعلامیه جهانی حقوق بشر، بسیاری از کودکان در بهره‌مندی از آموزش ابتدایی ناکام می‌مانند. این خلأ میان شناسایی ایجابی حق بر آموزش و واقعیت سلبی فراروی بسیاری از کودکان، فعالان و هواداران حقوق بشر را به‌سوی این نتیجه‌گیری کشانده است که آموزش باید به موازات حق بر غذا و حق بر آزادی، یک مسئله حقوق بشری قلمداد شود (E. Lee, 2013, P.1).

## ۲. نقش آموزش مهارت‌های زندگی در کاهش خشونت علیه کودکان

در این بخش، به نقش آموزش مهارت‌های زندگی در کاهش خشونت علیه کودکان می‌پردازیم و به‌طور خاص، به بررسی نبود آموزش درست به‌منزله عامل بروز خشونت، اهمیت آموزش در کاهش خشونت علیه کودکان و بایسته‌های موجود در این زمینه می‌پردازیم.

### ۲-۱. نبود آموزش درست به‌منزله عامل بروز خشونت علیه کودکان

خشونت از هر نوع و در هر سطحی که باشد، بی‌گمان نشان‌دهنده به‌بن‌بست رسیدن اندیشه است و با سوگ باید پذیرفت که «خشونت، چه خفیف باشد و چه بسیار شدید،

همیشگی و همه‌جایی است» (فراپا، ۱۳۸۹، ص ۳). هر فرهنگی برای امکان‌پذیر کردن ارتباط، مجموعه‌ای از شیوه‌های بیان را پرورش می‌دهد. این شیوه‌های بیان از دیدگاه‌های گوناگون دسته‌بندی می‌شوند؛ برای نمونه، می‌توان از زبان ایما و اشاره، زبان جادو و اسطوره، زبان هنر، زبان روزمره، زبان سازماندهی کار و بالأخره زبان علمی سخن گفت و نیز از زبان ابراز محبت، زبان خواهش، زبان گفتگو و قانع‌سازی، زبان فرماندهی و دست‌آخِر، زبان خشونت (نیکفر، ۱۳۸۹، ص ۸). زبان خشونت به هزار زبان، سخن از شکست دیگر زبان‌ها می‌گوید و نشو و نمو خود را در نبود سایر زبان‌ها می‌جوید. در این میان، خشونت علیه کودکان که انتقال‌دهنده فرهنگ و مضامین فرهنگی به نسل‌های بعدی محسوب می‌شوند، شاید یکی از دردناک‌ترین انواع خشونت‌ها باشد. پرداختن به خشونت علیه کودکان و علل و زمینه‌های آن در قالب یک مشکل و آسیب اجتماعی، می‌تواند در شناخت مشکل و علل بروز آن و همچنین ارائه راهکارهای لازم برای پیشگیری و مقابله با آن، آن هم در سده‌ای که آن را «عصر کودکان» نامیده‌اند، بسیار مؤثر و راهگشا باشد (کریمی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۸۹).

با توجه به تعریفی که از مهارت‌های زندگی به عمل آمد و همچنین با نظرداشت مفهوم مهارت‌های اصلی ده‌گانه زندگی در مباحث پیشین از این نوشتار، می‌توان از بایستگی تجهیز کودکان به این مهارت‌ها برای پیشگیری و کاهش خشونت علیه ایشان دفاع کرد. برای پدیده شوم خشونت علیه کودکان در عرصه خانواده یا همان خشونت خانگی، عواملی از این دست را برشمرده‌اند: ناآگاهی والدین از مهارت‌های فرزندپروری، مشکلات اقتصادی، مشکلات خاص خانوادگی، بی‌اعتنایی به ارزش‌های معنوی و مبانی اخلاقی در محیط خانواده، ترویج خشونت از سوی برخی رسانه‌های گروهی و در فضای سایبر، مشکلات رفتاری کودکان خاص، اعتیاد و بیماری‌های والدین و ... (نوری، ۱۳۸۶، ص ۶۷۰). افزون بر این موارد و در رابطه با خشونت‌های غیرخانگی، در بیانی کلی، شاید بتوان وجود نگرشی تبعیض‌آمیز و مبتنی بر کهنتری کودکان در ساختار جامعه را عامل اصلی ارتکاب خشونت علیه آنان دانست. «تبعیض را می‌توان هرگونه تمایز، ممنوعیت، محرومیت یا برتری دادن مبتنی بر نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، مذهب،

عقیده سیاسی یا غیرسیاسی، خاستگاه ملی یا اجتماعی، دارایی، موقعیت تولد یا سایر موقعیت‌ها دانست که به بهره‌مندی یا بهره‌گیری افراد از حقوق و آزادی‌هایشان آسیب رساند یا در این مسیر، مانعی ایجاد کند» (میرمحمدی، ۱۳۹۳، ص ۷۱). در واقع، روابط نابرابر قدرت در جوامع و ابتدای فرهنگ آنها بر ارزش نابرابر انسان‌ها از جنبه‌های گوناگون را (مثل جنسیت، سن، توان جسمی و ...) می‌بایست یکی از زیربناهای شکل‌گیری رویکردهای خشونت‌آمیز در قبال برخی اقشار و گروه‌های آسیب‌پذیر (مانند زنان و کودکان و به‌ویژه دختران) به شمار آورد.

کمیته حقوق کودک سازمان ملل متحد بالغ بر ۵۳ مورد از زمینه‌های حقوق بشری تبعیض علیه کودکان را، بر مبنای هویت کودک یا والدین او شناسایی کرده است. کمیته معتقد است دولت‌ها باید اقدامات لازم در جهت تضمین اجرای اصل عدم تبعیض در عرصه‌های سیاست‌گذاری، قانون‌گذاری، آموزش و ترویج آگاهی‌های همگانی اتخاذ نمایند. کمیته تأکید می‌نماید که این نکته به معنای آن نیست که باید با همه کودکان به نحوی یکسان با دیگر کودکان یا بزرگسالان رفتار شود، اما لازم است که تمایز دقیقی میان «رفتار تبعیض‌آمیز» و «رفتار متفاوت» قائل شد (CRIN, 2009, P.12-13).

مشکلات آموزشی در جامعه، خود از عوامل زمینه‌ساز بروز خشونت علیه کودک محسوب می‌شود. مهارت‌های مرتبط با کنترل و مهار خشم می‌تواند گامی اساسی در راستای مقابله با خشونت باشد. واقعیت مسلم آن است که مثلاً در کشورمان ایران، کودکان و نوجوانان از مهارت‌های لازم جهت کنترل و مقابله با فشارهای روانی و موقعیت‌های تنش‌زا برخوردار نیستند. تقریباً در هیچ‌یک از مراحل آموزشی از دبستان تا دانشگاه، مهارت‌های زندگی آموخته نمی‌شود. حتی در زمینه مدرسان و کارشناسان آموزشی، کمبودهای اساسی وجود دارد. به همین دلیل، کودکان و نوجوانان از توانایی تحلیلی مناسب برای درک شرایط و اوضاع تنش‌زا و نیز تصمیم‌گیری مناسب در موقعیت‌های حساس برخوردار نیستند و به علت این ناتوانی‌ها، دست به ارتکاب خشونت می‌زنند و خود قربانی خشونت می‌گردند. بررسی رویکرد کتب درسی و نظام آموزش فعلی، حکایت از توجه یک‌جانبه به حقوق جمعی و عمدتاً سیاسی دارد.

چنین رویکردی، کودک را از خودآگاهی و مطالبه حقوق فردی خویش باز خواهد داشت. شناخت حقوق و تعهدات نقش مؤثری در بهبود شهروندی و ایجاد جامعه عدالت‌خواه دارد که با افزایش دانش، آموزش‌های صحیح و در نتیجه، رعایت قوانین و مقررات و رفع موانع موجود محقق می‌شود. بنابراین توجه به مباحث آموزشی در این زمینه، گامی اساسی در راستای پیشگیری و پیکار با خشونت است (مکری قره‌قاج، ۱۳۹۶، ص ۱۱۷ و ۱۱۸). حتی از بُعد فلسفی نیز، فلسفه تعلیم و تربیت، از زمان مناظره سقراط با سوفسطایی‌ها تا به امروز، تاریخچه طولانی و قابل توجهی دارد. بسیاری از برجسته‌ترین چهره‌ها در این سنت، نگرانی‌های آموزشی را در برنامه‌های گسترده فلسفی خود گنجانیده‌اند (Curren & Dorn, 2018, P.53). گفتنی است که ایده‌های تحقیق منطقی مورد حمایت سقراط و پیروان وی در روزگار کنونی، مدت‌هاست این دیدگاه را که آموزش باید تا جایی که ممکن است، در همه دانش‌آموزان پرورش یابد، مورد تأکید قرار داده و به جستجوی دلایل و توانایی ارزیابی دقیق آنها در زمینه اعتقاد به خویشتن خویش، توانمندی‌های فردی، عمل‌گرایی و قضاوت، متمایل است. این دیدگاه از سوی بسیاری از فلاسفه کلاسیک پذیرفته شده است و فیلسوفان معاصر آموزش نیز از آن دفاع می‌کنند (Siegel, 2017, P.47).

بزرگسالانی که به ارتکاب خشونت علیه کودک دست می‌زنند، بیش و پیش از هر چیزی، به آموزشی که به کاهش خشونت علیه کودکان منجر شود، تجهیز نشده‌اند. آموزش و محتوای آن درگیر در فرایندی است مستمر که به صورت مجموعه‌ای از مفاهیم متشکل و کلی، مجموعه نیازهای آموزشی را برای تدبیری راهبردی و موضوعی هدایت می‌کند و شامل کلیه نیازهای آموزشی جامعه و اولویت‌ها و مقاصد و اهداف بر اساس سیاست‌ها و خط‌مشی‌های مورد نظر، اطلاعات و دانش مطابق با نیازها و نیز وسایل و ابزارهای لازم برای تحقق اهداف است. اگر هدف‌های مورد نظر به درستی تحلیل و اولویت آن به روشنی تعیین و تصریح نشده باشد، امکان حرکت و فعالیت صحیح و در نهایت، تحقق هدف‌های آموزشی درون‌نظامی، غیرممکن خواهد بود؛ زیرا بر اساس هدف‌های آموزشی است که برنامه‌ریزی

آموزشی و فعالیت‌های درون نظام‌های آموزش شکل می‌گیرد.

## ۲-۲. اهمیت آموزش در کاهش خشونت علیه کودکان

اهمیت آموزش و حق بر آموزش برای کودکان به شکلی است که در سنجش وضعیت رعایت حقوق کودک در سطح بین‌المللی، یکی از حوزه‌های پنج‌گانه به شمار می‌رود که رتبه‌بندی کشورها بر اساس آن مشخص و اعلام می‌شود. توضیح اینکه یکی از معتبرترین سازوکارهای سنجش حقوق کودک در سطح بین‌المللی، اطلاعاتی است که از سه منبع اطلاعاتی یونیسف، صندوق جمعیت ملل متحد<sup>۱</sup> و کمیته حقوق کودک سازمان ملل متحد تهیه می‌گردد و بر اساس آن، سالانه فهرستی از رتبه‌بندی کشورهای عضو کنوانسیون حقوق کودک منتشر می‌شود. این فهرست چشم‌اندازی مهم راجع به آنچه کشورها انجام می‌دهند و باید انجام دهند، در اختیار مخاطبان خود می‌گذارد و ابزاری است برای جلب توجه عمومی دولت‌ها، جامعه مدنی، سیاست‌مداران، دانشگاهیان و سایر افرادی که علاقه‌مند به اقدام برای بهبود حقوق کودک هستند. این گزارش رتبه‌بندی به ارزیابی ۲۰ شاخص حقوق کودک در ۵ حوزه حق حیات (نرخ مرگ‌ومیر کودکان زیر ۵ سال، امید به زندگی در بدو تولد و نسبت مرگ‌ومیر مادران)، حق بر سلامت (درصد افراد زیر ۵ سال که از سوءتغذیه رنج می‌برند، واکسیناسیون کودکان یک‌ساله و درصد جمعیت شهری و روستایی که به تسهیلات فاضلاب بهداشتی دسترسی دارند)، حق بر آموزش (سال‌های مورد انتظار تحصیل دختران، سال‌های مورد انتظار تحصیل پسران و نابرابری جنسیتی در سال‌های مورد انتظار، یعنی تفاوت مطلق دختران و پسران)، حق بر حمایت (کار کودکان، میزان بارداری نوجوانان و ثبت تولد) و بسترسازی برای تأمین حقوق کودک (عدم تبعیض، مصالح عالیۀ کودک، اجرای قانون، بهترین بودجه موجود، احترام به نظرات و مشارکت کودک، گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌های تفکیک‌شده و همکاری دولت و جامعه مدنی برای حقوق کودک) می‌پردازد و نمایی کلی از عملکرد کشورها در این زمینه را در دسترس قرار می‌دهد. در این میان، شاخص‌های مربوط

1. United Nations Population Fund (UNFPA)

به حوزه‌های چهارگانه اول، کمی و شاخص‌های حوزه پنجم، کیفی هستند. اطلاعات مورد نیاز در این ارزیابی، از سه منبع گردآوری می‌شود: داده‌های کمی که آن را یونیسف و برنامه توسعه ملل متحد<sup>۱</sup> به صورت مداوم به‌روزرسانی و منتشر می‌کند و داده‌های کیفی که کمیته حقوق کودک آن را در گزارش‌های سالانه خود انتشار می‌دهد. امتیاز کشورها در هر حوزه، حاصل میانگین امتیاز شاخص‌های آن حوزه است و امتیاز کل در فهرست، به‌عنوان میانگین هندسی امتیازات در پنج حوزه محاسبه می‌گردد (ناصری و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۴۷-۴۸).

یکی از شیوه‌هایی که برای کاهش خشونت به‌طور کل و خشونت علیه کودکان به‌طور خاص وجود دارد، آموزش حقوق بشر است. اگر خشونت را به‌کارگیری زور برای وادار ساختن افراد، آسیب رساندن، نفی خودمختاری و آزادی‌های مشروع و زیر پا گذاشتن قواعد و مقررات مورد احترام جامعه تعریف کنیم، این تضاد و تعارض جلوه بارزتری پیدا می‌کند (اسلامی و بهروزی‌خواه، ۱۳۹۳، ص ۷). حقوق بشر آرمان گسستن زنجیرها از دست و پا و ذهن آدمی و تحقق رهایی و زندگی انسانی او را در سر می‌پراند و خشونت، روایت بند است و رنج و انحطاط. اندیشمندان بیان داشته‌اند که آموزش حقوق بشر مجموعه‌ای از آموزش‌ها برای ایجاد آگاهی در خصوص ارزش‌ها و آرمان‌های حقوق بشری، توسعه و تقویت رعایت حقوق بشر از طریق آموزش و ایجاد فرهنگ جهانی حقوق بشری و در نهایت، شناساندن سازوکارهای تضمین حقوق بشر و نهادهای حمایتی برای مقابله با نقض حقوق بشر و الزام به رعایت آن است. اهداف چنین آموزشی نیز عبارت‌اند از آموزش همگانی، انتقال دانسته‌ها، بیداری و شکوفایی و تحول شخصیت فرد به ترتیبی که بتواند در هماهنگی با محیط اطراف خود زندگی کند (امیرارجمند، ۱۳۷۸، ص ۱۶۵ و ۱۶۶). از همین نقطه عزیمت است که می‌توان به پیوند هدف برخورداری کودکان از مهارت‌های زندگی با آمال و اهداف حقوق بشر و همچنین آموزش حقوق بشر پی برد و از همسانی غایت نهایی

---

1. United Nations Development Program(UNDP)

آنها که فراهم‌سازی یک زندگی شرافتمندانه، انسانی و به دور از ترس و ناامنی است، سخن به میان آورد.

به باور ما، «هیچ حقی بدون اجرا وجود ندارد» گزاره‌ای کاملاً ثابت‌شده در دنیای حقوق است. این حقیقت گاهی در زمینه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، از جمله حق آموزش، فراموش می‌شود و به این ترتیب، چنین حقوقی را از اساس خود جدا و به مانند یک دین سکولار مبدل می‌سازد که اگر نگوییم وجود ندارد، دست‌کم ناقص و ناتمام است. حق تحصیل از حقوق بشر است و برای اعمال سایر حقوق بشر ضروری است. آموزش به‌خودی‌خود یک حق توانمندساز و یکی از قدرتمندترین ابزارهایی است که با آن، کودکان و بزرگسالان در حاشیه اقتصادی و اجتماعی می‌توانند خود را از فقر رها نموده، به‌طور کامل در جامعه مشارکت کنند. برای انجام این کار باید برابری فرصت و دسترسی جهانی وجود داشته باشد. حقوق بشر متعلق به افراد معدودی نیست؛ بلکه متعلق به همه است. این جهانی بودن است که به حقوق بشر، قدرت عبور از هر مرزی و سرپیچی از هر نیرویی را می‌بخشد. حقوق کودکان را نمی‌توان از قرائت کلی مفهوم حقوق بشر جدا کرد؛ زیرا حقوق کودکان مشتق‌شده از حقوق بشر است و بین این دو مفهوم از نظر اصول کلی، روابط متقابل وجود دارد. واقعیت آن است که کودک، بزرگسالی فهیم و دانا نیست؛ ولی در بحث آموزش، از پذیرش بسیار بالاتری نسبت به بزرگسالان برخوردار است. بدون شک، حق‌ها و تکالیف کودکان و نوجوانان و وظایف حمایتی دولت‌ها در قبال آنان، زمانی قابل‌مطالعه و اعمال خواهد بود که در چارچوب قانون‌گذاری و رویه‌های قضایی و اداری، قاعده‌مند و ضابطه‌مند شوند. ما بر این اعتقادیم که در عرصه حقوق بشری، کودک عضوی فعال و نه صرفاً منفعل از جامعه است و در عین برخورداری از حقوق، موظف به اجرا و احترام به آنها نیز به شمار می‌آید. شرط اجرا، آگاهی و پیش‌شرط آگاهی نیز آموزش است. شناخت حقوق و تعهدات نقش مؤثری در ایجاد جامعه‌ای عدالت‌خواه دارد که با افزایش دانش و آموزش‌های صحیح محقق می‌شود.

### ۲-۳. بایسته‌های آموزش برای کاهش خشونت علیه کودکان

آموزش، پیش و بیش از هرچیز باید بر «خویش‌احترامی» یا «احترام به خود»<sup>۱</sup> کودک استوار باشد. اهمیت این امر به اندازه‌ای است که برخی حتی از حق آدمیان بر احترام به خود سخن گفته و آن را یک حق بشری قلمداد کرده‌اند. بعضی نیز آن را مؤلفه‌ای از حیثیت انسان دانسته‌اند که باید از رهگذر بهره‌مندی و اجرای حقوق بشر متناظر با خود، پاس داشته شود (Pollmann, 2011, pp. 243-261). احترام به خود پایه و اساس احترام به حقوق دیگران است که باید در اوایل زندگی و زمانی که خودپنداره‌های شخص شکل می‌گیرد، به او آموزش داده شود. عزت نفس و احترام به خود در محیط خانواده ایجاد می‌شود و هر درس حقوق بشری به کودکان باید حامل این مفهوم باشد که انسان فی‌الذات غایت است. آموزش حقوق بشر با القای خودارزشمندی به کودکان، سنگ‌بنای احترام به خود و در نتیجه، احترام به دیگران را بنیان می‌گذارد (اسلامی و بهروزی‌خواه، ۱۳۹۳، ص ۱۲). منطقاً نمی‌توان از موجودی که برای خود و منزلت انسانی‌اش احترام و حرمتی قائل نیست، انتظار داشت احترام و حرمت دیگران را نگاه دارد و آن را ارزشمند بشمارد.

بنابر پژوهش‌های انجام‌شده از سوی دغدغه‌داران حقوق بشر، برای پیشگیری و کاهش خشونت علیه کودکان، آموزش حقوق بشر را از چهار طریق می‌توان به کار بست: نخستین گام در این زمینه، آموزش والدین در نحوه برخورد با کودک و رعایت حقوق او و اصلاح رفتار خویش به جهت آموزش نسل آتی است. گام دوم آموزش کودکان است در راستای آشنایی با حقوق خویش و روش‌های استفاده از کمک نهادهای حمایتی برای حمایت و محافظت از او در شرایط خاص. سومین گام به آموزش تخصصی معلمان، قاضیان، مأموران پلیس و همه افرادی مربوط می‌شود که به‌واسطه شغل خود، با کودکان در تماس حرفه‌ای هستند و باید در مورد حقوق کودک آموزش ببینند و روش‌های مناسب برخورد با کودکان را بیاموزند. گام چهارم آموزش عمومی کلیه افراد جامعه برای شناخت انواع خشونت علیه

---

1. Self-respect



کودکان و روش‌های پیشگیری و مهار آن است. افزون بر این موارد، بالا رفتن آگاهی مردم و اطرافیان نیز برای خشونت‌زدایی از رفتار با کودکان در محیط خانواده بسیار ضروری است و سبب می‌شود که در موقعیت‌های مشکل‌ساز بتوان والدین خشن را راهنمایی کرد و همچنین هنگام مشاهده خشونت، آن را به مراکز رسمی گزارش داد. برای این نوع آموزش، به‌کارگیری رسانه‌های گروهی، کتابچه‌های تبلیغاتی و کلاس‌های توجیهی و تخصصی سودمند می‌نماید که باید منجر به اصلاح فرهنگی جامعه شود.

افزون بر خانواده، مدرسه نیز نقش مهمی در آموزش پیشگیری و پیکار با خشونت علیه کودکان دارد. کودکان در مدرسه نوعی زندگی اجتماعی را تجربه می‌کنند که اگر به‌درستی هدایت شود، نقش مؤثری در فرهنگ‌سازی و اصلاح رفتاری کودکان و نوجوانان خواهد داشت. تشویق روش‌های دموکراتیک و روادارانه در اداره مدرسه و کلاس، تنبیه انسانی به‌جای انتقام‌گیری و کینه‌جویی، دخالت مؤثر دانش‌آموزان در تصمیم‌گیری‌ها، آموزش تفکر انتقادی، اصلاح کتاب‌های درسی (هم از نظر شکل و هم از نظر محتوا) و حذف عوامل ترویج خشونت و روی‌هم‌رفته، اتخاذ یک رهیافت حقوق بشری در روند آموزش، آموزش حقوق کودک در محیط منزل به او و تعلیم واکنش درست در برابر خشونت و از جمله خشونت خانگی و نحوه استفاده و مراجعه به نهادهای حمایتی در صورت نیاز، از جمله این آموزش‌هاست (اسلامی و بهروزی‌خواه، ۱۳۹۳، ص ۱۲ و ۱۳). در این زمینه، رفع نگرش‌های تبعیض‌آمیز به دختران در همه سطوح و از جمله در مدارس و به‌ویژه در کتاب‌های درسی، از اهمیتی دوچندان برخوردار است. گفتنی است که خشونت علیه کودک، بیش و پیش از هرچیز ناشی از سلسله‌مراتب اجتماعی و ساختار جامعه‌ای است که خشونت در آن تولید و بازتولید شده (Council of Europe, 2016, P.8). این چرخه با تداوم خودش، به‌ویژه دختران را تحت تأثیر قرار می‌دهد. تعداد کم دانش‌آموختگان دختر منجر به کاهش مداوم تعداد معلمان زن برای مقاطع بالاتر می‌شود و دسترسی به آموزش ابتدایی و متوسطه را برای نسل‌های بعدی محدود می‌کند.

حقوق کودک از برپایی جهانی بدون ترس و وحشت برای کودکان سخن می‌گوید؛ جهانی که در آن، کودکان یکی از سهام‌داران اصلی تمامیت و منافع جامعه هستند. در رویکرد فلسفی حقوق کودک، هرگز به کودکان و دوره کودکی به‌عنوان بخشی محدود از بزرگسالی نگریسته نمی‌شود و کودکان افرادی ناقص‌الخلقه یا ناتوان در بهره‌مندی از حقوق و استیفای آن به‌شمار نمی‌روند. کودکان حقوق بسیاری دارند که تضمین آنها شرط دگردیسی هنجاری و تطور منطقی-سیاسی اجتماع به‌سوی گفتمان عدالت‌ورزی خردمندانه است. تضمین منافع عالیۀ کودکان مبنای بنیادین حقوق کودک است که در افق احترام به آن، فرآیندهای سیاست‌گذاری عمومی و تبعاً جنایی در خصوص کودکان، معنا و اصالت می‌یابند. حقوق کودک در تلاش برای رهایی کودکان از ستم‌پذیری‌های هژمونیک و ساختاری در جامعه است. در این مسیر، می‌بایست کلیت جامعه و مردمانش برای حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان بسیج شوند (کونانی، ۱۳۹۹، ص ۱۷۷ و ۱۷۸). صرف‌نظر از دسته‌بندی‌ها و مناقشات مفهومی و سلیقه‌ای، با واکاوی مبنای پارادایمی اسناد بین‌المللی متناظر با این رژیم حقوقی افتراقی، می‌توان مدعی شد که حقوق کودک مقدم بر هر مسئله‌ای، به دنبال شکل‌دادن به یک زبان جهانی و واحد در مواجهه با کودکان است و سعی دارد مفهوم حق بر حق داشتن را در فضای ادبیات و واقعیات دنیای کودکان مسلط و مستمر کند. حمایت از خانواده و توانمندسازی آن و تحقق رشد مادی و معنوی کودکان از دیگر اهداف عالیۀ حقوق کودک است که لازم است در تصویرسازی‌های عینی از این رژیم حقوقی، همواره مدنظر قرار گیرند. این اهداف به تاریخ و فلسفه حقوق کودک نظر دارد و طرح‌واره‌های مهمی را برای مرحله سیاست‌پردازی‌های عمومی و حقوقی در رویارویی با خردسالان پیشنهاد می‌نماید. هر سطح بی‌توجهی به این اهداف به پزیردگی بیشتر و شکنندگی افزون‌تر حقوق کودکان می‌انجامد و بر احتمال تعرض به آن می‌افزاید (همان، ص ۱۷۸). بی‌گمان خشونت علیه کودکان یکی از موانع اصلی در مسیر تحقق اهداف نظام حقوق کودک و ناقض و زمینه‌ساز نقض بسیاری از حقوق و مصالح وی به‌شمار می‌رود. به نظر می‌رسد تجهیز کودکان به مهارت‌های ده‌گانه زندگی از رهگذر اعمال حق بر آموزش

کودک می‌تواند با زدودن شمار چشمگیری از عوامل اعمال خشونت علیه این گروه آسیب‌پذیر، موجبات کاهش در بسامد و شدت این نوع خشونت در جامعه را فراهم کند. تحصیلات ماندگارترین سرمایه‌ای است که والدین می‌توانند به فرزندان خود بدهند؛ چون آموزش برای رشد انسان ضروری است و نرخ باسوادی کشورها، تولید ناخالص داخلی و همچنین نتایج بهداشتی از جمله نرخ مرگ‌ومیر کودکان و نوزادان (یعنی نسل‌های بعدی) را تحت تأثیر قرار می‌دهد. کودک نسبت به بزرگسالان، آموزش‌پذیری بیشتری دارد (محمودیان و بهنیا، ۱۴۰۱، ص ۳۳۳) و از این ظرفیت می‌توان برای ساخت دنیایی بهتر بهره گرفت. آموزش کودک از چنان اهمیتی برخوردار است و جایگاه کودکان در جهان به اندازه‌ای واجد اهمیت است که از نقش آموزش کودکان در مقابله با افراط‌گرایی سخن می‌رود (جعفری و ذاکریان، ۱۴۰۱، ص ۳۱۶-۲۹۱). تمام حق‌های بشری و به‌ویژه حق بنیادین و واجد اهمیتی همچون آموزش، هدفی جز این ندارند که انسان را از دام تصویر یک موجود ستم‌کشیده به موجودی که عزیز و ستم‌ناپذیر و شایسته‌ی وصف انسان و جانشین آفریدگار روی زمین است، ارتقا دهند. یکی از لوازم و بایسته‌های نیل به چنین هدفی، فراهم‌سازی اصلی‌ترین ابزارهای لازم برای دستیابی به آن است تا آدمی بتواند در فضایی نفس بکشد و بزید که در آن، منزلت انسانی و جایگاه‌الای او پاس داشته می‌شود؛ یعنی فضایی که در آن می‌تواند بیابد و به تعالی برسد. تنها در چنین فضا و حال‌وهوایی است که می‌توان به حذف موانع رشد و پیشرفت همه‌سویه او همچون خشونت و از جمله خشونت علیه کودکان امیدوار بود. در این زمینه، تقویت نگاه حقوق بشری و گام‌زنی در گفت‌وگویی حق‌مدار نسبت به کودکان در تمام سطوح جامعه، از بایسته‌های حتمی قلمداد می‌شود.

## ۲-۴. جایگاه آموزش جهت کاهش خشونت علیه کودک در سایه نظام حقوقی کشور

خشونت علیه کودکان از جمله مقولاتی است که گریبان‌گیر ایران نیز شده است و به‌ویژه شیوع ویروس کرونا در کشور موجب تشدید این نوع خشونت گردید. از همین رو، نگاهی هرچند کوتاه، به رویکرد نظام حقوقی کشورمان و به‌ویژه مهم‌ترین قوانین و آرای قضایی مرتبط

با بحث خشونت علیه کودک و نقض حق بر آموزش، در کاهش آن، سودمند می‌نماید. در این زمینه، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان بالاترین سند قانونی کشور، در اصل سوم خود، «آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی» را از جمله امور لازم در راستای تحقق اهداف مقرر در اصل دوم این قانون برشمرده است. امری که در اصل ۳۰ همین قانون بر آن تصریح و تأکید شده است. «قانون حمایت از اطفال و نوجوانان»<sup>۱</sup> مصوب ۱۳۹۹/۰۲/۲۳ از شاخص‌ترین و جدیدترین اسناد میانی ایران در زمینه حقوق کودکان است. این قانون علاوه بر تعیین تکلیف در خصوص سن کودکی و نوجوانی، در مواد مختلف به تضمین حق اطفال و نوجوانان بر آموزش و رشد شخصیتی آنان می‌پردازد. بر پایه ماده ۳ این قانون، مواردی که طفل یا نوجوان را در معرض بزه‌دیدگی یا ورود آسیب به سلامت جسمی، روانی، اجتماعی، اخلاقی، امنیت یا وضعیت آموزشی وی قرار دهد، وضعیت مخاطره‌آمیز محسوب و موجب مداخله و حمایت قانونی از طفل و نوجوان می‌شود. از جمله این موارد در پیوند با موضوع این نوشتار، «بازماندن طفل و نوجوان از تحصیل» و «سوءرفتار نسبت به طفل و نوجوان یا بهره‌کشی از او» است.

از جمله دستگاه‌ها و نهادهایی که طبق ماده ۶ این قانون، تکالیفی را بر دوش دارند، وزارت آموزش و پرورش است. این وزارتخانه وظیفه دارد موارد عدم نام‌نویسی و موارد مشکوک به ترک تحصیل کودکان و نوجوانان تا پایان دوره متوسطه را به نهادهای ذی‌ربط اعلام کند و مدیران و کارکنان آموزشی و اداری را در زمینه حقوق کودکان و نوجوانان آموزش دهد. ذیل همین ماده، سازمان صداوسیما نیز مکلف است به تولید و پخش برنامه‌های منظم برای بالا بردن سطح اطلاعات عموم مردم در حوزه حقوق اطفال و نوجوانان دست بزند. نیز گفتنی است ذیل فصل سوم این قانون با عنوان جرایم و مجازات‌ها، مواد ۷ تا ۱۰ به منع و تعیین مجازات ایجاد مانع در برابر تحصیل کودکان و نوجوانان، ترغیب و تشویق آنان به تحصیل و همچنین بیان انواع کودک‌آزاری و به‌ویژه آزار جنسی می‌پردازند که تفصیل آنها

1. <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/1554444>

در این مقال نمی‌گنجد.

دیگر سند شاخص در این زمینه، «سند ملی حقوق کودک و نوجوان» مصوب جلسه ۸۰۶ مورخ ۲۱/۱/۱۳۹۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی است که در تاریخ ۲۰ شهریور ۱۴۰۰ خورشیدی، از سوی رئیس‌جمهور برای اجرا ابلاغ شد.<sup>۱</sup> این سند در مقدمه خود، بر بایستگی پشتیبانی و یاری دولت در «تربیت نیکوی کودکان و رشد و تکامل مادی و معنوی ایشان» و نقش «خانواده به‌عنوان رکن اصلی جامعه در پرورش و رشد جسمی و روحی، عاطفی و معنوی کودک» تأکید می‌ورزد. سند یادشده در برخی مواد خود، بیشتر به‌گونه‌ای غیرمستقیم به مسائل مرتبط با آموزش و مهارت‌های زندگی و حقوق کودک اشاره داشته است؛ از جمله، در بند ۴ از ماده ۴ این سند با عنوان «حق هویت»، بر حق کودک و نوجوان بر آشنایی با ارزش‌ها و نقش‌های جنسیتی خویش و بایستگی کمک به او برای پاسداری از آنها تصریح شده است. همچنین طبق بند ۳ از ماده ۵ این سند (حقوق خانوادگی)، «در مواردی که خانواده فاقد شرایط مناسب برای نگهداری و رشد کودک یا نوجوان است، دولت موظف است با تدابیر شایسته و به‌موقع، نسبت به رفع مشکل خانواده اقدام نماید». ماده ۶ این سند که به حق سلامت کودک و نوجوان می‌پردازد، در زیر بند «ح» از بند ۴ خود، اتخاذ «اقدامات لازم برای کاهش حوادث و مخاطرات نسبت به کودکان و نوجوانان و توجه به ایمنی آنان در محیط خانه، مراکز نگهداری و آموزشی و اجتماع» را تکلیف دولت می‌داند.

شاید مهم‌ترین بخش این سند در ارتباط با موضوع این مقاله، ماده ۸ آن باشد که به «حقوق فرهنگی، آموزشی و تربیتی» کودک و نوجوان اختصاص دارد. وفق بند ۱ این ماده، «تربیت و آموزش صحیح حق کودک و نوجوان است و مسئولیت آن بر عهده والدین یا سرپرست قانونی و نیز دولت است» و شامل «کسب مهارت‌های لازم برای داشتن زندگی مسئولانه در جامعه همراه با احترام به ارزش‌های مذهبی و ملی» می‌شود. همچنین طبق بند ۲ ماده یادشده، دولت موظف است در راستای تأمین حقوق آموزشی، تربیتی و فرهنگی کودک

1. <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/1675329>

و نوجوان، اقداماتی مانند «دسترسی به آموزش رایگان از دوره ابتدایی تا پایان دوره متوسطه و مقابله با محرومیت از تحصیل یا اجبار به ترک آن»، «تأسیس، گسترش و تقویت امکانات و مراکز فرهنگی مختص کودک و نوجوان با رعایت ضوابط اسلامی»، «ارائه محتوای آموزشی و تربیتی برای والدین و مربیان کودک و نوجوان» و ... به انجام برساند.

افزون بر این، در دادگاه‌های ایران نیز به بحث حق آموزش کودک اشاره شده است که پیش‌نیاز پیشگیری و کاهش خشونت علیه کودکان است. از جمله این آرا، دادنامه شماره ۹۹۰۹۹۷۱۵۱۶۶۰۰۴۹۵ صادره از شعبه ۱۳ دادگاه تجدیدنظر استان مازندران به تاریخ ۲۹ خرداد سال ۱۳۹۹ است. در این قضیه، فرزندان یک تبعه ذکور افغانی، به سبب مجهول‌المکانی وی و نداشتن شناسنامه، از ثبت‌نام در مدرسه و بهره‌مندی از حق آموزش محروم شده بودند. دادگاه بدوی درخواست تجدیدنظرخواهی زوجه را وارد ندانست؛ ولی دادگاه تجدیدنظر با استناد به اسناد بین‌المللی مورد الحاق ایران و از جمله بند ۱ ماده ۱۳ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کنوانسیون منع تبعیض در آموزش یونسکو و نیز ماده ۲۸ کنوانسیون حقوق کودک که وفق ماده ۹ قانون مدنی در حکم قوانین داخلی است، حق آموزش و بهره‌مندی از آن را از حقوق بنیادین بشر اعلام کرد و بیان داشت که کودکان یادشده از تحصیل بازمانده و از حق آموزش خویش محروم شده‌اند. مستشاران دادگاه همچنین بر ماهیت دوگانه حق بر آموزش کودک که از یک سو، حقی مثبت است و از سوی دیگر، حقی منفی، تأکید ورزیدند. آنان همچنین بر اینکه مهم‌ترین راهبرد کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹م این است که دادگاه‌ها در تصمیم خود می‌بایست مصالح و منافع عالیة کودکان را لحاظ نمایند، پافشاری کردند و سرانجام تجدیدنظرخواهی تجدیدنظرخواه پذیرفته و قضیه به دادگاه نخست بازگردانده شد.

### یافته‌های پژوهش

درک مشترک از این نکته که کودکان جزء آسیب‌پذیرترین اقشار بشری هستند و نیاز به مراقبت و محافظت متناسب با سن و مرحله رشد خود دارند، رهیافتی است که در سطوح

مختلف بین‌المللی و نظام‌های ملی قابل‌پیگیری است. به دلیل اینکه کودکان به‌علت برخورداری از ویژگی‌های خاص، نمی‌توانند از حقوق خود دفاع کنند و از مزایای آن بهره‌مند شوند، اهمیت توجه به حقوق کودک در جوامع بشری به حدی افزایش یافته که وجود قواعد حقوقی مستقل برای کودکان ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. یکی از پدیده‌های شومی که زندگی و سلامت حال و آینده کودکان در سرتاسر جهان را تهدید می‌کند و ضربه‌ای مهلک بر پیشرفت و توسعه جوامع وارد می‌کند، خشونت است. خشونت علیه کودکان فقط جسمانی و جنسی نیست و انواع خشونت‌های عاطفی و کلامی در محیط‌ها و بسترهای گوناگون مانند خانه، مدرسه، اجتماع، محل کار و اخیراً فضای مجازی را نیز در بر می‌گیرد. شوربختانه خشونت علیه کودکان پدیده‌ای است با قدمتی به درازای تاریخ و جهان‌گستر و به فرهنگ یا منطقه جغرافیایی خاصی محدود نمی‌شود و هم در زمان صلح و هم در زمان جنگ، گریبان‌گیر کودکان و به‌ویژه دختران است. خشونت آثاری ویرانگر و همیشگی بر کودک و خانواده او بر جای می‌گذارد. تأثیرات مستقیم خشونت علیه کودکان همچنین هزینه‌های اقتصادی چشمگیری بر افراد، جوامع و دولت‌ها بار می‌کنند. خشونت در دوران کودکی، رشد افراد در بزرگسالی را محدود می‌نماید و این ظرفیت شکوفاننده، پیشرفت اجتماعی و اقتصادی جامعه را به عقب می‌راند. پیامدهای خشونت‌ورزی علیه کودک در بیشتر مواقع، بین‌نسلی هستند و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شوند. از این رو، تلاش در راستای کاهش خشونت علیه کودکان، از این زاویه نیز موجب احتمال کاهش خشونت علیه کودکان آینده به دست کسانی است که خود قربانی چنین خشونتی بوده‌اند.

بی‌گمان یکی از راه‌های مؤثر در جلوگیری از اعمال خشونت علیه کودکان، تقویت مهارت‌های زندگی در آنهاست؛ امری که افزون بر دامن خانواده، پای تعهدات و تکلیف دولت‌ها به‌عنوان متعهدعلیهم‌اصلی گفتمان حقوق بشر را به این معرکه می‌کشاند و توجهات را به یک حق بنیادین بشری، یعنی حق بر آموزش، جلب می‌کند. تقویت مهارت‌های زندگی ناظر بر رشد و پرورش روحی، جسمی و روانی کودکان بوده که لازم است در کنار حق بر

تحصیل هم به دست والدین و هم از سوی دولت‌ها در نظر گرفته شود. می‌توان عنوان نمود که مهارت‌های زندگی، مانند هر نوع نگرش و مهارت دیگری، اکتسابی و قابل آموختن است و از ابتدای زندگی و به تدریج ایجاد می‌شود؛ ولی نبود آنها می‌تواند کودک را هم در دوره کودکی و هم در بزرگسالی در معرض آسیب‌های فراوانی قرار دهد و از این رهگذر، امنیت روانی و توسعه و پیشرفت همه‌جانبه جوامع را به مخاطره افکند. نگارندگان بر این باورند که از یک چشم‌انداز، می‌توان بهره‌مندی، محترم‌شماری، اعمال و اجرای حق بر آموزش را از اساسی‌ترین ابزارهای نیل به هدف گفتمان حقوق بشر، یعنی تحقق یک زندگی شرافتمندانه برای آدمی‌زادگان، به شمار آورد؛ زیرا آموزش نقش و کارکردی زیربنایی در محقق شدن یک زندگی انسانی برای ابنای بشر دارد و از رهگذر آن است که می‌توان به اعتلا و پیشرفت همه‌جانبه انسان‌ها امیدوار بود و می‌بایست آن را تجلی بارز جدایی‌ناپذیری حق‌های بشری از یکدیگر تلقی نمود.

دو سال همه‌گیری کرونا و بحران‌های طبیعی و انسانی جاری در جهان، بار دیگر این واقعیت تلخ را به رخ آدمی‌زادگان کشید که قربانی اصلی وضعیت‌های غیرعادی و بحرانی، پیش و بیش از هر گروهی، کودکانی هستند که گاهی ناآگاهی خانواده‌ها، گاه بی‌تدبیری مسئولان، در بعضی مواقع جاه‌طلبی قدرت‌طلبان و زمانی هم جمع همه اینها در کنار هم، زندگی ایشان را به قهقرا می‌راند و حتی گاه آنان را به کام مرگ می‌کشاند. به نظر می‌رسد در فقره خشونت علیه کودکان نیز، همچون همه دشواری‌ها و معضلات پیش‌روی جامعه بشری، همچنان پیشگیری بر درمان و مبارزه با آن برتری دارد و خردمندان‌تر آن است که بیش و پیش از پیکار با مظاهر و مصادیق این نوع از خشونت، که البته همواره ضروری و سودمند تواند بود، بر زدودن علت‌های بروز و ارتکاب آن در جوامع تمرکز شود. از همین نقطه عزیمت است که نقش بی‌مانند آموزش در ریشه‌کن‌سازی بسیاری مشکلات و دردهای جوامع روشن می‌گردد. به باور ما، ضرورت دارد در جوامع، نگاهی که کودکان را موجوداتی نیازمند حمایت می‌بیند، با رویکردی که در آن کودک همچون انسان‌های دیگر صاحب حق



قلمداد می‌شود، تکمیل و جایگزین گردد؛ یعنی دیدگاهی که کنوانسیون حقوق کودک آغازگر آن بود و برای نخستین بار کودک را صاحب حق قلمداد نمود، در آموزش‌های همگانی کشورها جایگاه خود را بیابد و در کنار آن، به‌خاطر آسیب‌پذیری کودک، حمایت‌های دقیق‌تر، قوی‌تر و کارآمدتری از کودکان در برابر هر نوع نقض حقوق بشر ایشان به عمل آید. خشونت علیه کودک و در کل، خشونت از هر نوع، بیش و پیش از آنکه خود یک مشکل و معضل باشد، نشان‌دهنده و حکایت‌گر کژی و کاستی در فرهنگ جامعه و به محاق رفتن انسانیت و ارزش‌های انسانی است. به همین خاطر است که ما بر این باوریم که برای تحول در نظام حقوقی و کاهش ناکارآمدی آن در حل و فصل معضلات انسانی در سطوح داخلی و بین‌المللی، نیازمند بازنگری در مبانی فکری و فرهنگی و تقویت ارزش‌های انسانی و اخلاقی هستیم.

در پایان، پیشنهادها و راهکارهای نویسندگان برای کاهش خشونت علیه کودکان در ایران از این قرارند: ۱. تدوین کتاب‌های درسی از سال‌های آغازین مدرسه با نظرداشت آموزش مهارت‌های ده‌گانه زندگی؛ ۲. به‌کارگیری آموزگاران و مدیران آموزش‌دیده در زمینه حقوق کودک در راستای افزایش کیفیت آموزش کودکان برای شناخت منزلت و حقوق انسانی و تجهیز برای پیشگیری و کاهش خشونت علیه خود؛ ۳. آموزش والدین و سرپرستان کودک به دست نهادهای متولی و مرتبط با حقوق کودک برای ایجاد فضایی امن در خانواده برای رشد و پرورش مطلوب کودکان؛ ۴. تقویت گفتمان حق‌مدار در رابطه با کودکان در سطح جامعه از جمله از رهگذر پخش برنامه‌های آموزشی از صداوسیما در این زمینه؛ ۵. پایش و پیگیری جدی و دقیق بایسته‌های قوانین موجود و از جمله قانون اساسی و قانون حمایت از اطفال و نوجوانان در زمینه آموزش کودکان و منع خشونت علیه آنان.

#### منابع

- اسلامی ندوشن، محمدعلی (۱۳۷۲). ذکر مناقب حقوق بشر در جهان سوم. تهران: آرمان یزد.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۴). فرهنگ و شبه‌فرهنگ. تهران: شرکت سهامی انتشار.

- اسلامی، رضا و بهروزی‌خواه، عباس (۱۳۹۳). «آموزش حقوق بشر برای نفی خشونت». پژوهش‌های حقوقی، ۱۳(۲۵)، ص ۳۳-۶.
- امیرارجمند، اردشیر (۱۳۷۸). «آموزش حقوق بشر». تحقیقات حقوقی، ۲(۲۵ و ۲۶)، ص ۱۵۹-۱۷۹.
- انوری، حسن (۱۳۸۱). فرهنگ بزرگ سخن. تهران: سخن.
- جعفری، رؤیا و ذاکریان، مهدی (۱۴۰۱). «نقش آموزش کودکان در مقابله با افراط‌گرایی». مجله حقوقی بین‌المللی، ۳۹(۶۶)، ص ۲۹۱-۳۱۶.
- حججی نجف‌آبادی، مرضیه و پاپا، مسیمو (۱۳۹۸). «حق بر آموزش کودکان در اسناد بین‌المللی حقوق بشر». فصلنامه حقوق کودک، ۳(۱)، ص ۲۱۵-۲۳۷.
- دانش ناری، حمیدرضا و خبیری نوغانی، اکرم (۱۴۰۱). «تحلیل حقوقی-جرم‌شناختی تأثیر پاندمی کووید ۱۹ بر خشونت خانگی». دوفصلنامه علمی فقه و حقوق خانواده، ۲۷(۷۷)، ص ۲۵۳-۲۸۲.
- عباسی کلیمانی، عاطفه (۱۳۹۵). حقوق کودک در نظام حقوقی ایران. تهران: میزان.
- \_\_\_\_\_ و اکبری، اسما (۱۴۰۰). «رویکردی بر حق تعلیم کودک توسط والدین در قوانین داخلی و اسناد بین‌المللی». دوفصلنامه علمی فقه و حقوق خانواده، ۲۶(۷۴)، ص ۲۲۹-۲۴۹.
- فرایا، هلن (۱۳۸۹). خشونت در تاریخ اندیشه فلسفی. ترجمه عباس باقری. تهران: فروزان روز.
- قاری سیدفاطمی، سید محمد (۱۳۸۹). حقوق بشر در جهان معاصر (دفتر دوم): جستارهایی تحلیلی از حق‌ها و آزادی‌ها. تهران: شهر دانش.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۰). حقوق بشر در جهان معاصر (دفتر یکم): درآمدی بر مباحث نظری: مفاهیم، مبانی، قلمرو و منابع. تهران: شهر دانش.
- قربان‌نیا، ناصر (۱۳۹۲). «حقوق طبیعی و حقوق بشر». دوفصلنامه حقوق بشر، ۸(۱ و ۲)، ص ۵۸-۶۱.
- کاشانی، هانیه (۱۳۹۶). حق آموزش کودک در حقوق ایران و فقه امامیه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق خانواده، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری.
- کریمی، صلاح‌الدین و همکاران (۱۳۹۴). «بررسی اکولوژیک خشونت علیه کودکان در استان‌های ایران: یک تحلیل خوشه‌ای». مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ۲۵(۱۳۰)، ص ۸۷-۹۹.
- کونانی، سلمان (۱۳۹۹). «روح حقوق کودک؛ نگاهی به اهداف حقوق کودک در رویکردی تطبیقی». فصلنامه حقوق کودک، ۲(۸)، ص ۱۴۷-۱۸۱.
- محمودیان، ساناز و بهنیا، مسیح (۱۴۰۱). «حق آموزش کودکان پناهنده افغان در ایران در پرتو نظام حقوق بین‌الملل ناظر بر پناهندگی». مجله حقوقی بین‌المللی، ۳۹(۶۶)، ص ۳۱۷-۳۳۸.

- مدنی قهفرخی، سعید (۱۳۹۰). *خشونت علیه کودکان در ایران*. تهران: آشیان.
- مکری قره‌قاج، پیمان (۱۳۹۶). بررسی جرم‌شناختی افعال خشونت‌آمیز علیه کودکان با توجه به تمهیدات آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲. پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی. دانشگاه پیام نور مرکز کرج.
- میرمحمدی، سید مصطفی (۱۳۹۳). *حقوق کودک*. قم: دانشگاه مفید - یونیسف.
- ناصری، لیلا؛ عالی، آمنه و عباسی، محمود (۱۳۹۹). «تحلیل وضعیت حقوق کودک در جهان: استخراج دلالت‌هایی برای ایران». *فصلنامه حقوق کودک*، ۲(۶)، ص ۴۳-۶۳.
- نوراحمدی، انسیه و رضوانی مفرد، احمد (۱۴۰۱). «گستره و مبانی حق آموزش کودکان دارای معلولیت در فقه، حقوق و اسناد بین‌المللی». *دوفصلنامه علمی فقه و حقوق خانواده*، ۲۷(۷۷)، ص ۱۶۱-۱۹۴.
- نوری، سید مسعود (۱۳۸۶). «خشونت خانگی علیه کودکان: چپستی، چرایی و راهکارهای درمان آن در پرتو تلاش‌های حقوقی». *حقوق بشر*، ۲(۲)، ص ۳۵-۵۴.
- نیکفر، محمدرضا (۱۳۸۹). *خشونت، حقوق بشر و جامعه مدنی*. تهران: طرح نو.
- Committee on the Rights of the Child (2011). *General Comment No. 13: The Right of the Child to Freedom from All Forms of Violence*. CRC/C/GC/13.
- Convention against Discrimination in Education (1960)
- Convention on the Rights of the Child (1989)
- Council of Europe (2016). *Addressing Violence in Schools Through Education for Democratic Citizenship and Human Rights Education; A Collaborative and Reflective Report on Sustainable Means for Addressing and Preventing Violence in Schools*. Produced in cooperation with Greece, Hungary, Montenegro, Poland and Romania, Strasburg: Council of Europe.
- CRIN (2009). *Guide to Non-Discrimination and the CRC*. First published, Child Rights Information Network.
- Declaration of the Rights of the Child (1959)
- E. Lee, Sh. (2013). Education as a Human Right in the 21<sup>st</sup> Century. *Democracy and Education*, 21(1), pp. 1-9.
- Human Rights Council (2021). *Annual Report of the Special Representative of the Secretary-General on Violence against Children*. A/HRC/49/57.
- Human Rights Council (2021). *Annual Report of the Special Representative of the Secretary-General on Violence against Children*. A/HRC/49/57.
- Human Rights Council (2022). *Children and Armed Conflict: Report of the Special Representative of the Secretary-General for Children and Armed Conflict*. A/HRC/49/58.
- International Covenant on Civil and Political Rights (1966)

- International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights (1966)
- Joseph, S. and Kyriakakis, J. (2010). The United Nations and Human Rights. In: Sara Joseph and Adam McBeth (eds.). *Research Handbook on International Human Rights Law*. Cheltenham: Edward Elgar, 1-35.
- Pollmann, A. (2011)."Embodied Self-Respect and the Fragility of Human Dignity: A Human Rights Approach. In: P.Kaufmann, H. Kuch, Ch. Neuhaeuser and E. Webster(eds). *Humiliation, Degradation, Dehumanization*. New York: Springer, 243-261.
- Curren, R. & Dorn, Ch. (2018). *Patriotic Education in a Global Age*. Chicago: University of Chicago Press.
- UN General Assembly (2021). *Annual Report of the Special Representative of the Secretary-General on Violence against Children*. A/76/224.
- UNESCO Office Bangkok and Regional Bureau for Education in Asia and the Pacific(2014). *Learning to Live Together: Education Policies and Realities in the Asia-Pacific*. Paris: UNESCO.
- UNICEF (2017). *Preventing and Responding to Violence against Children and Adolescents*. New York: UNICEF.
- UNICEF and Office of the Special Representative of the Secretary General on Violence Against Children (2013). *Toward a World Free from Violence: Global Survey on Violence against Child*. New York: UN.
- Universal Declaration of Human Rights (1948)
- V, P & R. Pillai, R. (2015). Impact of Life Skills Education on Adolescents in Rural School. *International Journal of Advanced Research*, 3(2), P.788-794.
- WHO (2020). *Life Skills Education School Handbook: Prevention of Non-Communicable Diseases-Introduction*. Geneva: World Health Organization.